

رشته پزشکی و بورسیه فرانسه را فدای فعالیت‌های انقلابی کرد

شهباز شهید مهدی زین الدین در اوج جوانی به فرمان‌های لشکر ۱۷ عربی اینطیبال رسید؛ لشکری مهم که از زندگان شهر در آن حضور داشتند و عملیات‌ها و نقش‌های مهمی در آن‌ها داشت. شهید زین الدین در مدت کوتاهی به محبوبیت زیادی بین رزوه‌هاش رسید و همه چندان را با صمیم قلب دوست داشتند. اخلاص، ایمان و ویژگی‌های شخصیتی شهید زین الدین، او را به یک الگو در میان زندگان تبدیل کرد. در دهه ۱۳۴۲ به شهادت رسید و نام او در نگارشی از تاریخ دفاع مقدس همچنان نام‌نگار است. مهدی قربانی کتابی را با عنوان «تنها زین باران» حول محور زندگی و شخصیت شهید زین الدین به رشته تحریر درآورده و در این کتاب سعی کرده است به تمام برهه‌های زندگی این فرمانده شجاع بپردازد. دقیقاً بی‌نویسده کتاب «تنها زین باران» گفت‌وگو کردیم تا بیشتر از شهید زین الدین و ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی‌اش بدانیم.

تمام این مسائل اعتقادی ریشه در خانواده شهید دارد. شهید پیرنالدین در خانواده‌ای بزرگ‌گزار و مرام‌دار کینشیه بر هفتۀ کلافران در خانه بر سر کار می‌است. از قدیم این کلاس‌ها را داشتند. حتی زمانی که خانواده از تهران به خرم‌آباد مهاجرت می‌کنند بر گزاری این کلاس‌ها را دارند. مردم بزرگ‌گزار شهید هم چنین شخصیتی داشتند و کمالا قرآن و مسائل دینی مانوس بودند. پدر شهید هم کمالا انسانی مذهبی بوده که به خاطر اعتقادات دینی و انقلابی‌اش چندین بار تعجید می‌شود. اعتقادات در خانواده‌ای بزرگ‌گزار و مرام‌دار، رباط خوبی با اله‌الله مدنی در خرم‌آباد داشتند.

شهید هم در ادامه این اعتقادات را تقویت کرد
است؟

درهای مختلف علاقه ایشان به مسائل اعتقادی و دینی را می‌توانیم در زندگی‌شان ببینیم. علاقه به نماز اول وقت یکی از این موارد است. همچنین به قرآن خواندن خیلی اهمیت می‌دادند. یک فرمانده لشکر با چند هزار سرباز طرف راه می‌رفت و در مسافتی که می‌پیمایند، سربازان را می‌فرستادند که قرآن بخوانند و صدای آن را در راه بشناسند. این نشان می‌دهد که ایشان به نماز و قرآن اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. در این میان، نماز و قرآن دو ستون اصلی اعتقادی و دینی شهید تعریف می‌کنند و وقتی آقامه‌ای به یک مقر نظامی می‌رود، به سبب از خواندن نماز یا معاون لشکر، شهید حسری در ده سال از خواندن نماز یا معاون لشکر، شهید حسری پخته‌تر و مسلط‌تر بوده و به راهی که می‌فرمانده می‌دهد، پیوسته‌تر است. این نشان می‌دهد که ایشان به نماز و قرآن اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. در این میان، نماز و قرآن دو ستون اصلی اعتقادی و دینی شهید تعریف می‌کنند و وقتی آقامه‌ای به یک مقر نظامی می‌رود، به سبب از خواندن نماز یا معاون لشکر، شهید حسری در ده سال از خواندن نماز یا معاون لشکر، شهید حسری پخته‌تر و مسلط‌تر بوده و به راهی که می‌فرمانده می‌دهد، پیوسته‌تر است.

با او مشورت می‌کند و می‌شوند امام گفته است بچه‌های که دانشجو هستند جایی نزنند و بمانند و به کشور خدمت کنند با ایشان از حضور در دانشگاه انصراف می‌دهد. چقدر شخصیت باید بزرگ و از لحاظ مباحث اعتقادی قوی باشد که در تقابل زرم و برقی‌های دنیا با اسلام و انقلاب از هر چیز صرف نظر کند.

شهید زین الدین در اوج جوانی فرمانده تیپ می‌شوند. فرماندهان چه چیزی در وجود ایشان دیده بودند که در اوج جوانی مهدی زین الدین را برای فرماندهی تیپ و لشکر انتخاب می‌کنند؟

پدر شهید کتابفروشی داشتند و به دلیل فعالیت‌های انقلابی‌شان تبعید شدند و کتابفروشی در آستانه تعطیلی قرار گرفت. آقامهدی هم در کنکور رتبه چهار رشته پزشکی را کسب کرد و در دانشگاه شیراز قبول شد، اما در تقابل با رژیم پهلوی قرار داشت و تصمیم گرفت از دانشگاه انصراف بدهد و بماند و مبارزه انقلابی‌اش را ادامه دهد.

شهید زین الدین سر سفره دین و اعتقاد بزرگ شد و تا زمان شهادت هم زندگی ساده ای داشت. شهید زین الدین خلواذگی، خیلی ساده زندگی می کرد. شهید زین الدین هم از ادواج که در عروسی گرفت و خرید و مراسم عقیقه آن هم خیلی ساده برگزار شد. شهید زین الدین نه تنها برای هیئت المال بلکه روزی چنان که نیز و هایش حساسیت می داشت، رئیس ستاد لشکر ۱۷ شهید اسماعیل صادقی پس از شهادت آقای شهید می گفت ایشان ۲۸ ماه در منطقه بود اما بودا وقتی برنده شان را نگاه کردیم ۱۵ روز مرخصی در آن نبود. ایشان خرداد سال ۱۳۶۱ قبل از اینکه به ۱۷ برآید به ادواج می کند. مدام در جنگ بود و حتی خانواده اش را هم به اهواز می آورد. همسر ایشان می گفت روز ۲۰ به تولد پسرش می افتاد و او قاضی به خاطر عملیات والفجر ۲ روبرو به حضور داشت و وقتی به مرخصی می آید دخترشان ۲۰ روزه بود. یعنی ۱۸ روز مرخصی داشت و سرانگیزه او وضعیت خانواده و پدر داشت ولی کاندید بالاتر از این سرانگیزه به خانواده برایش می افتاد. دل کندن بالاتر از این سرانگیزه

به شدت ایشان به نیروهایش توجه داشت. یکی از روزمندان تعریف می کرد برای آخرین عملیاتی که لغو می شود و نیروها به سر دشت می روند اقامه‌ی همه جای مقرر را می گشت تا نیروهایش مشکلی نداشته باشند. حتی سفاکش هم کرد بلاستیک‌های که جلوی در حمام‌ها

نام کتاب را از یک قسمت از روایت‌های همسر شهید دوام گرفتم. وقتی رگبار مسلسل سمت ماشین شهید زین‌الدین گرفته می‌شود و بعد ماشین آری‌جی می‌خورد آقامجید رد دم شهید می‌شود. آقامهدی از ماشین پیاده می‌شود تا بتواند پشت ماشین برود و از خودش دفاع کند ولی آنجا تیر می‌خورد و تنها روی جاده‌ای که نم‌باران می‌زد، می‌افتد.

♠	♣	♠	♠	♥	♣	♥	♣	♠
♠	♥	♣	♠	♠	♠	♣	♠	♥
♥	♠	♠	♣	♥	♠	♠	♣	♠
♠	♠	♣	♠	♠	♥	♣	♥	♣
♥	♥	♣	♠	♠	♠	♠	♠	♠
♠	♣	♠	♣	♣	♠	♠	♥	♠
♠	♠	♠	♥	♣	♣	♥	♠	♠
♠	♠	♠	♣	♣	♠	♠	♠	♠
♠	♠	♠	♥	♠	♠	♠	♠	♠

[illegible]

۱- جایزه ادبی نوبل را گرفت- صداع، مزاحمت
۲- یوتالیا
۳- گروه حاکم بر افغانستان- میمون پوزدها
۴- حرف دهن کجی
۵- درس کشیدنی- اصل مطلب
۶- غلاف شمشیر- پسر عربی- از ماه‌های میلادی
۷- شمشیر- مجموعه نیروها انتظامی یک کشور- دشنام
۸- کوهستانی گیلان
۹- کشی صحرا- اولین قهرمان جام جهانی
۱۰- کشورهای عرب صادر کنند
۱۱- چکامه
۱۲- قطعه و نفوذ
۱۳- آدمکشی- شهر زار آگاه انیشتین- قالب
۱۴- ای

سپری کند ۱۵- در سال ۱۹۷۲ به عنوان دومین

از بالا به پایین

- ۱- جمع عشیره - فیلمی ساخته دسیکا، سینما
- ۲- مادانگاسکار - ترک وطن
- ۳- همراه ناله - صورت
- ۴- گل ولای تیرنرنگ
- ۵- عهد و زمان - پاک کردن
- ۶- زنده بمان - تلخ - کمانگیر شاهنام
- ۷- مسافر
- ۸- حرکت کرم گونه - درخت زبان جنشک - ه
- ۹- نفت - حرف آرزو - مرغ سلیمان
- ۱۰- حاجت - پول
- ۱۱- فوتبال - گناه
- ۱۲- تاجیه بالا - راهنشین - حشره
- ۱۳- ریخته‌گری
- ۱۴- وزیر ایرانی هارون الرشید - معمار

[illegible]